دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی‌سینا

ویژگی‌های زبان‌شناختی و سبک‌شناختی در شعر باباطاهر عریان

دکتر علی محمدی (دانشیار دانشگاه بوعلی سینا)
مریم ترکاشوند (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی)

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۱۳۸۸ تاریخ پذیرش مقاله: دی ۱۳۸۸

چکیده

باباطاهر از شاعرانی است که برخلاف بی نام و نشان بودن از حیث تاریخ تولد و مرگ، از آوازه و شهرتی نسبی برخوردار است. بیشترین شهرت او به سبب پیش‌تازی در سرودن شعرهایی ساده و به دور از اغماض‌های شاعرانگی، در قالبی به نام دوبیتی است. این دوبیتی‌ها در اصل به زبان محلی سروده شده‌اند، اما به مرور زمان بر اثر دخل و تصرف دیگران و آمیختگی با سرودهای سرایندگان دیگر، چندان قابل شناسایی و تشخیص نیستند. با این حال در همان اندک سروده‌های باقی‌مانده نیز ویژگی‌هایی وجود دارد که شاخصهٔ سروده‌های باباطاهر محسوب می‌شوند و می‌توانند ممیز سبک او از دیگران باشند. در این مقاله سعی شده است که این ویژگی‌ها، تحت عنوان‌های: سادگی، عرفان، ویژگی‌های عشق، عاشق و معشوق، غم در آیینهٔ دوبیتی‌ها، صور خیال، پند و اندرز و ناسازواری در سروده‌های باباطاهر، مورد بررسی قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: باباطاهر، سادگی، عشق، غم، اندرز و حکمت، ناسازواری، صور خیال.

مقدمه

باباطاهر عریان، یکی از بی‌شمار سوخته‌دلان این مرز و بوم و غریبی آشنا و گمنامی نامی است که پیدا نبودن سال‌روز تولد و گم بودن سال مرگ او و حتی مشکوک بودن دوبیتی‌های منسوب به وی، چیزی از قدر والایش نکاسته؛ زیرا شعر او در بر دارندهٔ همان ویژگی‌هایی است که ناقدان سخن و شعر شناسان برای یک شعر سخته و ماندگار برشمرده‌اند. پس از گذشت قرن‌ها، نه‌تنها گرد فراموشی بر سروده‌های زیبای او ننشسته، بلکه چنان که گفته‌اند: «شاعر باید که شعر او بدان درجه رسیده باشد که بر صحیفهٔ روزگار، مسطور باشد و بر السنهٔ احرار، مقروء؛ برسفاین بنویسند و در مداین بخوانند.»(نظامی عروضی،۱۳۴۱، ص۲۹). سروده‌هایش بر زبان‌ها ساری و جاری است. بی‌شک راز این ماندگاری را باید در همان ویژگی‌هایی جستجو کرد که در شعر شاعر صاحب سبک موجود است. چنانکه در تعریف سبک گفته‌اند: «طرز بیان اندیشهٔ هنرآفرین که هم با چگونگی تفکر و هم با چگونگی تصویرسازی‌های او نسبت مستقیم دارد.»(دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه سبک).

ما در این مقاله با خواندن دقیق شعرهای باباطاهر، به اهمیت چند کلیدواژه پی برده‌ایم. ممکن است در کتاب‌ها یا مقالات دیگر، برخی باباطاهر پژوهان به این نکته‌ها اشاره کرده باشند؛ اما این مقاله به طور منسجم قصد پرداختن به رازهای ماندگاری شعر باباطاهر دارد. رازهایی چون:

آمیختگی شعر باباطاهر با زبان مردم، سادگی در بیان افکار و اندیشه‌ها، سادگی زبان و....

سادگی در شعر باباطاهر

گذشته از شواهد و قرائن نه‌چندان قابل اعتمادی که نشان می‌دهد باباطاهر در عصر سلجوقیان می‌زیسته، مدرک موثقی در دست نیست که با تکیه بر آن بتوان تاریخ دقیق زندگی باباطاهر را نشان داد؛ حتی دوبیتی‌های منسوب به او نیز که در میان مردم رایج‌اند و دست به دست می‌گردند و سینه به سینه نقل می‌شوند، به یقین نمی‌توان گفت که همگی سرودهٔ باباطاهر هستند، زیرا حتی اگر در اصل هم سرودهٔ وی باشند به مروز زمان و به خاطر دخل و تصرف نویسندگان و گویندگان، این دوبیتی‌ها دست‌خوش تغییر و تحول شده‌اند، به عنوان مثال،

دوبیتی زیر که در کتاب «المعجم فی معاییر اشعارالعجم» به باباطاهر نسبت داده شده است، با توجه به نسخه بدل‌ها، به این صورت ثبت شده است:

ار کری‌مون به خواری اج که ترسی ور کشی‌مون به باری اج که ترسی
ازی نیمه دلی نترسم اج کیج ای گهان دل ته داری اج که ترسی

(باباطاهر، ۱۳۷۵، ص۸۹)

در صورتی که همین دوبیتی، در حال حاضر به شکل زیر و بسیار نزدیک به زبان امروزی در کتاب‌ها به چاپ می‌رسد:

کشیمان گر به زاری از که ترسی برونی گر به خواری از که ترسی
به این نیمه دل از کس مو نترسم دو عالم دل ته داری از که ترسی

(باباطاهر ، ۱۳۸۴، ص۱۰۵).

زنده‌یاد مهرداد بهار دربارهٔ اختلاف میان دوبیتی‌های اصیل‌تر منسوب به باباطاهر و آن چه که امروزه در دیوان او به چاپ می‌رسد، نوشته‌است: «مقابلهٔ این اشعار با آن‌چه در دیوان باباطاهر همدانی به طبع رسیده است، نشان می‌دهد که اختلاف آن‌ها از زمین تا آسمان است. هر چند، حتی بدون دسترسی به این نمونه‌های اصیل تنها با اطلاع متوسطی از زبان‌شناسی ایرانی می‌شد دریافت که سرتاسر دیوان منسوب به باباطاهر مخدوش است(بهار،۱۳۷۳، ص۲۷۹). علاوه بر تفاوت‌هایی از این نوع که ممکن است در کلمات یا جای آنها، در ضبط دوبیتی‌های باباطاهر باشد، در تعداد دوبیتی‌های منسوب به وی نیز اختلافات فاحشی وجود دارد و این به دلیل همان دخل و تصرف‌هایی است که بدان اشاره شد؛ البته یکی از دلایل این نابرابری، ناشناخته بودن باباطاهر در زمان خود، به خصوص در میان مورخان و تذکره‌نویسان است. حتی در دوران متأخر نیز میزان گفته‌ها و نوشته‌ها دربارهٔ باباطاهر چندان قابل توجه نیست و سخن سنجان و ناقدان سخن به اندازهٔ دیگر شاعران و سخن‌سرایان پارسی‌گو، به سروده‌های باباطاهر نپرداخته‌اند؛ اما محور همین اندک گفته‌ها و نوشته‌ها، بیش‌تر همان «سادگی» شعر باباطاهر است و ماندگاری شعر او و حضور گرم و پررنگ وی در زندگی مردم در دوره‌های گوناگون و اقبال ویژه به سروده‌های او ناشی از همین ویژگی دوبیتی‌های اوست؛

پس اگر بگوییم باباطاهر مبتکر «سادگی زبان و بیان عامیانه» است و در این زمینه او را «صاحب سبک» بدانیم، سخنی به گزاف و نابه‌جا نگفته‌ایم؛ اما ابتدا باید ببینیم «ساده» یعنی چه و «سادگی» در چه ابعادی از سروده‌های باباطاهر قابل تبیین و توجیه است، به عبارت دیگر علل سادگی شعر باباطاهر چیست؟ در فرهنگ معین برای واژهٔ «ساده» این معانی ذکر شده است: «بی‌نقش و نگار، بی‌آرایش، هموار، بی چین و گره، آسان، معمولی و ...» (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژهٔ ساده).

علل سادگی شعر باباطاهر

۱. آمیختگی با زبان مردم

رشید یاسمی می‌گوید: «شعر باباطاهر چون عاری از هر پیچ و خمی است، راست بر دل‌ها می‌نشیند»(اذکایی، ۱۳۷۵، ص۴۸). در واقع، این بی پیچ و خم بودن شعر باباطاهر که زنده‌یاد یاسمی به آن اشاره می‌کند، ویژگی بارز شعر عامیانه است؛ یعنی شعری که طرف توجه عامهٔ مردم باشد. آن‌جا که ما از عامهٔ مردم نام می‌بریم، در حقیقت از خیل عظیمی سخن می‌گوییم که یا بی‌سواد هستند یا سواد آنان در سطح خیلی بالایی نیست، ولی همین مردم عامی، شعر بابا را خوب می‌فهمند و با شاعر، به خوبی ارتباط برقرار می‌کنند.

پس باباطاهر از زبانی استفاده کرده است که برای مردم قابل فهم بوده است؛ یعنی زبان پهلوی «پهلوی زبان عامه مردم بوده و خوانندگان آن را خوب می فهمیده‌اند(امین ریاحی، ۱۳۷۹، ص۳۶). حتی شکل اصیل و دست‌نخوردهٔ دوبیتی‌هایی که نزدیک به سبک و سیاق بابا هستند و به احتمال قریب‌به‌یقین سرودهٔ اویند، برای مردم زمان او، به خوبی قابل فهم بوده‌اند و همین آسانی زبان شعر باباطاهر و جدا نبودن آن از زبان مردم عامی و در نتیجه قابل فهم بودن آن، باعث شده است که دوبیت‌های باباطاهر بر زبان مردم جاری و ساری و در میان آنان رایج باشد؛ منتها به مرور زمان که مردم از عصر باباطاهر دور شده‌اند و زبانشان با زبان او فاصله گرفته است، زبان اشعار او را به اقتضای فهم و زبان خود تغییر داده‌اند و تا امروز نیز ما شاهد این تغییر و دگرگونی هستیم.